پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۹۹ – ۷۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۲۰۴

کاربست منطقه‌گرایی و نقش آن در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس

اصغر افتخاری[۱]
رضا انصاری بارده[۲]
پیمان حسنی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

باگذشت تاریخ، دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین واحدهای سیاسی به این نتیجه رسیدند که بسیاری از مسائل نه در سطح جهانی بلکه در سطح منطقه‌ای پدید می‌آیند، و به‌تبع نیازمند اتخاذ استراتژی‌های منطقه‌ای در راستای حل مشکلات و توفیق سیاست‌های خود در عرصه بین‌الملل هستند. مسائل موجود در منطقه غرب آسیا از یک سو و زیرمجموعه منطقه‌ای خلیج فارس از سوی دیگر، حضور بسترهای همگرایی و واگرایی متنوعی است که باید به درستی مورد تحلیل قرارگرفته شود. زیرا تأمین امنیت ملی علاوه بر عوامل درون مرزی، متاثر از عوامل خارجی نیز قرار دارد، لذا جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد ثبات سرزمینی، نیازمند منطقه‌ای با ثبات است و از این جهت لازم است تا راهکارهای دست‌یابی به منطقه‌ای باثبات را مورد بررسی قرار دهیم. زیرا عدم توجه به این موضوع می‌تواند زمینه‌ها و استعداهای همگرایی موجود را تبدیل به عواملی واگرا کرده و هزینه تأمین امنیت را برای کشور به شدت بالا ببرد. منطقه‌گرایی در رشد شاخص‌های امنیت نقشی موثر دارد و استفاده از این ظرفیت می‌تواند موجب ارتقاء جایگاه کشور در حوزهای دیگر از جمله فرهنگ، اقتصاد و سایر زمینه‌های سیاسی گردد. در این پژوهش در تلاش هستیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که: جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت منطقه‌گرایی برای تأمین امنیت ملی خود استفاده کند؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بر اساس نظریه «امنیت منطقه‌ای باری بوزان»، بر آن است تا نقش منطقه‌گرایی در تأمین امنیت جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: امنیت ملی، منطقه‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، باری بوزان.

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Eftekhari@isu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ansarireza313@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. peyman.hassani73@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

مقدمه

علی‌رغم خاتمه یافتن جنگ سرد، منطقه غرب آسیا و به طور خاص منطقه خلیج فارس، در برخورد میان قدرت های جهانی همچنان به منزله یک منطقه کلیدی و راهبردی تلقی می‌شود. علاوه بر آن، وجود میادین عظیم نفتی و گازی، آن را به قلب تپنده جهان در تعبیر تحلیلگران و استراتژیست‌ها مبدل ساخته است. ثبات و امنیت و یا بی ثباتی و عدم امنیت، در این منطقه بر دیگر نقاط جهان تاثیر خواهد داشت. بنابراین با توجه به تغییرات ایجاد شده در منطقه و تحولات در حوزه توزیع قدرت و ثروت در آن، ضرورت شناخت فرصت‌ها و تهدیدات موجود در این منطقه را بیش از پیش نمایان تر ساخته است (عرب، ۱۳۹۳: ۲).

«چگونگی نظم جهانی» پرسشی است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره اذهان اندیشمندان علوم سیاسی را به خود مشغول کرده است. نظریاتی همچون همکاری و مشارکت جهانی، منازعه جهانی و سلطه جهانی از جمله نظریاتی هستند که هر یک به فراخور، مدتی فضای جهانی را تحت الشعاع قرار دادند (افتخاری: ۱۳۸۲)؛ اما در این بین گروه دیگری از اندیشمندان نیز بوده‌اند که این سطح از پیوند میان مسائل را لازم نمی‌دانستند و در نتیجه سعی داشتند تا مسائل بازیگران در زمینی کوچک‌تر و مرتبط‌تر؛ یعنی در سطح منطقه‌ای حل و فصل شوند. دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مناطق اغلب زمینه‌ساز ناامنی بوده و یا حداکثر توانسته امنیت یکی از طرف‌ها را به قیمت ناامنی طرف مقابل و یا ناامنی آن منطقه تأمین کند.

برخی الگوی امنیت منطقه‌ای را در چالش با «لویاتانیزم جهانی» می‌دانند، به عقیده آنان رابطه معکوسی میان این دو الگو وجود دارد و تقویت الگوی امنیت منطقه‌ای می‌تواند باعث تضعیف الگوی لویاتانیزم جهانی گردد (افتخاری، ۱۳۸۲). پس اهمیت موضوع امنیت منطقه‌ای در نقش سلبی آن نسبت به لویاتانیزم جهانی و نقش ایجابی آن در تأمین امنیت مناطق است. هرچند در این میان نارضایتی قدرت‌های جهانی از منطقه‌ای شدن امنیت نیز به خوبی مشهود است، زیرا منطقه‌ای شدن امنیت نفوذ و حضور آنها در مناطق امنیتی را کمرنگ می‌کند.

کشورها در هر نقطه‌ای از جهان خود را در قالب مناطقی امنیتی تعریف می‌کنند. یک منطقه امنیتی می‌تواند متاثر از موقعیت جغرافیایی و یا تقسیم بندی‌های سیاسی باشد. در این میان اولین هدف راهبردی دولت‌ها تأمین امنیت ملی‌شان بوده‌است. تأمین امنیت در منطقه‌ای همچون غرب آسیا که سرعت و کیفیت تحولات، بالا و پیچیده است نیازمند همراهی با دیگر شرکای منطقه‌ای و حتی ایجاد انگیزه همراهی در دیگر کشورهاست. زیرا در صورتی که کشوری بخواهد به تنهایی هزینه‌های تأمین امنیت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

منطقه را بر عهده بگیرد، نیازمند ظرفیت بالای سیاسی، دفاعی و اقتصادی است که مستلزم هزینه‌های هنگفتی خواهد بود (Cantori and Spiegel, 1973: 24).

جمهوری اسلامی ایران در منطقه امنیتی غرب آسیا و زیر مجموعه امنیتی خلیج فارس قرارگرفته است. این منطقه در چهار دهه گذشته همواره در سطح بالایی از تنش میان بازیگران دولتی و غیردولتی قرار داشته است. این کشور در این مدت چالش‌های امنیتی بسیاری را از سر گذرانده است. این چالش‌ها به تناسب علت و محل وقوع در مرزهای غربی، جنوبی و شرقی ایجاد شده و هر کدام از ناحیه‌ای برای کشور تهدید امنیتی ایجاد کرده است. کشورهایی همچون جمهوری اسلامی ایران که جایگاهی مستقل در سیاست جهانی برای خود تعریف کرده‌اند، دارای ارزش‌های مستقل بوده و می‌خواهند استقلال خود را در فضای هژمونیک غربی حفظ کنند باید به این نکته توجه داشته باشند که به صورت یک «واحد تک افتاده» قادر به تأمین امنیت ملی خود نخواهند بود. زیرا هژمون در تلاش خواهد بود تا از طرق مختلف و با ایجاد فشارهای سیاسی و اقصادی آنها را از مسیر اصلی خود منحرف و یا مجبور به عقب نشینی کند (افتخاری، ۱۳۸۲)؛ لذا جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند لازم دارد تا با ایجاد شبکه‌ای امنیتی در منطقه علاوه بر تأمین امنیت ملی خود، اجازه ندهد ظرفیت همسایگان به سمت هژمون رفته و فرصت‌ها به ضد فرصت تبدیل شوند. این اقدام در عمل می‌تواند از مسیرهای گوناگونی پیگیری شود، رفتن به سمت پیمان‌های امنیتی منطقه‌ای، ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های دوجانبه و چندجانبه، ایجاد زمینه‌های همکاری اقتصادی مشترک و... که هرچه این پیوندها مستحکم‌ترگردد، امکان تبدیل جمهوری اسلامی به تک بازیگر در عرصه منطقه کاهش پیدا خواهد کرد (Vsyrynen, 1985).

این پژوهش به دنبال مشخص کردن نقش منطقه‌گرایی در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی است. چارچوب نظری در این مقاله نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان و الی ویور است. بوزان در نظریه خود به این موضوع اشاره می‌کند که امنیت باید از طریق ایجاد و تثبیت ساختارهای متناسب با آن تأمین شود. او بر روی مفاهیمی همچون سیستم و زیرسیستم تأکید می‌کند و معتقد است که باید به سمت ایجاد امنیت سیستماتیک رفت، نه امنیت برخاسته از عوامل زودگذر. حرکت به سمت سیستم ما را به الگوهای ثابتی می‌رساند که رعایت آن الگوها امینت زایی را در پی خواهد داشت. الگوها باید متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای و متناسب با واقعیات آن منطقه باشند. از نگاه بوزان منطقه‌گرایی ظرفیتی است که در صورت فعال شدن نه‌تنها در جهت تأمین امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای کارآمد است، بلکه می‌تواند الگوهای همگرایی و واگرایی در سطح جهانی را هم تحت تأثیر قرار دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

۱- پیشینه تحقیق

منطقه‌گرایی و امنیت منطقه‌ای موضوعی است که تاکنون آثار متعددی در ارتباط با آن به نگارش درآمده است. با توجه به رویکرد محققان به این موضوع مي توان آثار موجود را به سه گروه اصلي تقسيم نمود:

۱-۱- آثاری که رویکرد مجموعه امنیتی را مد نظر دارند

شماری از اندیشمندان، برقراری امنیت را مسئله‌ای جهانی می‌دانند، لیک و مورگان[1] در کتاب «نظم‌های منطقه‌ای» به موضوع برقراری امنیت در جهان نوین پرداخته‌اند. به عقیده آنها پس از جنگ سرد عمده تلاش‌هایی که برای برخورد با مناقشات و ارتقاء سطح همکاری‌ها انجام شد غالبا در چهارچوب مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بوده است و نه در سطح جهانی. در حالیکه برخی موضوعات بدون شک در سطح جهانی اداره می‌شوند اما کشورها برای حل و اداره آن مناقشات به نظم‌های منطقه‌ای روی آورده‌اند. آنها سه عامل را تعیین کننده نظم‌های منطقه‌ای در جهان پس از جنگ سرد می‌دانند. نظام‌های منطقه‌ای، ائتلاف‌های سیاسی داخلی و نظام بین‌الملل. مورگان و لیک بر این باور هستند که در داخل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، ساختار سیاسی هر منطقه شرط عمدهای برای نوع نظم منطقه‌ای است که اتخاذ می‌شود (لیک، ۱۳۸۱: ۴۶۳).

۱-۲- آثاری که رویکرد سازمانی به امنیت دارند

برخی سازمان‌ها و نهادهای بین المللی و منطقه ای را عهده دار صلح بانی و تامین امنیت می‌دانند، اشتیاق احمد، نهادی همچون سازمان همکاری اسلامی را بستری مناسب برای شکل گیری منطقه‌گرایی بر منبای هویت اسلامی میداند (احمد، ۱۳۹۱: ۳۶۹). پائول ویلیامز بر این باور است که در طول تاریخ هیچگاه ایجاد تعادل و توازن میان شکل‌های منطقه‌ای و جهانی صلح بانی تا این اندازه مهم نبوده است. وی می‌گوید: با اینکه شورای امنیت سازمان ملل عهده دار صلح بین‌المللی است اما دیگر نهادهای منطقه‌ای نیز بازیگران عرصه امنیتی هستند و هر روز بر اهمیت حضور آن بازیگران افزوده می‌شود (ویلیامز، ۱۳۹۶: ۱۷۰). مجید عباسی در کتاب «سازمانهای منطقه‌ای و مدیریت امنیت» به نقش شورای همکاری خلیج فارس در مدیریت امنیت منطقه پرداخته است. وی ابتدا به عوامل موثر بر شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس پرداخته است. سپس به توضیح ارکان و تشکیلات شورا و سیاستهای شورا در حوزههای نظامی-امنیتی پرداخته است. او در بخش سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس به این نکته اشاره می‌کند که تلقی نظام بین‌الملل از دولت‌های عضو شورا این است که آنان توانمندی لازم

1. Lieck and Morgan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

برای هدایت سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را ندارد؛ و این موضوع را نکته‌ای کلیدی در فهم سیاست خارجی شورا می‌داند. لذا هدف شورا را صرفا حفظ وضع موجود از طریق حفظ توازن منطقه می‌داند (عباسی، ۱۳۹۲: ۳۵۸).

۱-۳- آثاري كه رويكرد راهبردي به امنيت منطقه اي دارند.

پاره‌ای از نویسندگان نظریات همگرایی منطقه ای را دارای هنجار و ارزش مشخص می‌دانند، دهقانی فیروزآبادی در کتاب «نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های‌بین‌المللی» نظریات همگرایی منطقه‌ای را به دو گروه دولت‌گرایی و فوق ملی‌گرایی دسته‌بندی می‌کند. وی معتقد است برخلاف ادعای اثبات‌گرایی و نظریه‌های مبتنی بر آن، نظریات همگرایی منطقه‌ای مانند سایر نظریات روابط بین‌الملل بی‌طرف نیستند بلکه این نظریات جهت دار و دارای بار ارزشی مخصوص به خود هستند. زیرا این نظریات علاوه بر تبیین واقعیت‌های عینی، سازه‌هایی مفهومی برای ارزشها و هنجارهای مشخص هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۴۳). رابرت استوارت در کتاب قدرت‌های منطقه‌ای و نظم‌های امنیتی بر اهمیت داشتن «چارچوب» در حوزه مطالعات امنیتی تأکید می‌کند. وی چارچوب را به‌عنوان ابزاری برای پژوهش‌های بیشتر در حوزه امنیت منطقه‌ای می‌داند. چارچوب مسیری را تعیین می‌کند که قدرت‌های جهانی از طریق آن می‌توانند به محیط منطقه‌ای اثر بگذارند. آنها در قالب «چارچوب» می‌توانند حداقل از سه طریق بر نظم‌های امنیتی منطقه‌ای تأثیر بگذارند. اول: آنها می‌توانند در مجموعه امنیتی مشارکت نداشته باشند و یا مشارکتی ناچیز داشته باشند. دوم: قدرت‌های منطقه‌ای با نفوذ در سیاست‌های خارجی دولت‌های منطقه می‌توانند مشارکت فعال‌تری را در مجموعه‌های منطقه‌ای داشته باشند و سوم: هم اینکه قدرت‌های بزرگ در منطقه مداخله مستقیم داشته باشند (استوارت، ۱۳۹۲: ۳۲۷).

در اینجا ذکر این نکته شایسته است که برخلاف لیک و مورگان ساختار سیاسی را عامل مهمی در نوع نظم منطقه‌ای می‌دانند، لیکن این پژوهش درصدد آن است که اثبات کند، علیرغم وجود ساختارهای سیاسی و حتی بافت دینی و مذهبی مختلف در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ارائه راهکاری، از طریق همگرایی منطقه‌ای، امنیت و ثبات را در منطقه ایجاد نماید. بر خلاف دسته دوم که امنیت را سازمانی می‌دانند، نویسندگان بر این باورند که به دلیل ساختار ویژه منطقه خلیج فارس، تامین امنیت این منطقه صرفا از مجرای سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین المللی قابل تحقق نیست. از طرفی این پژوهش سعی دارد تا راهکاری ارائه دهد تا دخالت و حضور نیروهای بیگانه را در منطقه به حداقل یا صفر رساند. مخصوصا پس از ترور شهید قاسم سلیمانی و مطرح شدن پروژه خروج ایالت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

متحده از منطقه، این فرصت برای جمهوری اسلامی جهت پیشی گرفتن از سایرین و در دست گرفتن ابتکار عمل، می‌تواند بسیار موثر باشد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش تحلیل ثانویه است که در آن، محققین با توجه به منابع موجود از آثار باری بوزان و برخی از اندیشمندان حوزه امنیت، جهت استنباط از اندیشه فکري ایشان، از این روش استفاده نموده‌اند و سپس آن را برای مسئله موجود در قضیه امنیت جمهوری اسلامی ایران به کار برده‌اند. از آنجایی که نظریه منطقه گرایی از نظریات و ابداعات باری بوزان است، لذا این مقاله اساس کار خود را بر طبق نظریه منطقه گرایی بوزان قرار داده است و نگارندگان سعی کرده‌اند آن را از حالت نظری صرف خارج کرده و این نظریه را بر مسئله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تطبیق داده‌اند.

۳- مبانی مفهومی

در این قسمت چارچوب مفهومی و نظری بحث به صورت مختصر ارائه می‌گردد.

۳-۱- امنیت ملی

تعاریف کلاسیک از امنیت ملی بیشتر به جنبه نظامی موضوع می‌پردازند تا دیگر زوایای آن. به عقیده ماندل، معنی کردن امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌است (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۳). تعاریف موجود هر یک از زوایه‌ای به مسئله امنیت ملی پرداخته‌اند، ما معتقدیم امنیت ملی به خاطر ماهیت گسترده‌ای که دارد می‌تواند با هر امری درآمیزد. تعریف مختار ما از امنیت ملی در واقع حصول امنیت و احساس امنیت در تمام ابعاد امنیتی یک کشور است. به طوری که ضعف در آن خطر جدی برای منافع وجودی و حیاتی کشور در پی خواهد داشت. لذا به نظر می‌رسد که تعریف مختار از امنیت ملی توانایی دولت در صیانت از خود در برابر خطرات، مخاطرات و تهدیدهای خارجی است (Kolodziej, 2005: 25-27).

۳-۱-۲- منطقه

منطقه به مجموعه ای از کشورها گفته می شود که در یک حوزه جغرافیایی قرار دارند. این کشورها دارای روابط متقابل ارگانیک بوده و دگرگونی در یکی از آنها بر سایر کشورهای منطقه نیز تاثیرگذار است. در حقیقت منطقه باید دارای ویژگی‌های یک زیر سیستم باشد (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۶).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

۳-۱-۳- منطقه گرایی

منطقه گرایی (Regionalism) که ازلغت region به معناي منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است اما در ادبیات روابط بین الملل، منطقه گرایی هنگامی به کار می رود که دولت‌هاي واقع در یک منطقه جغرافیایی که داراي علایق مشترك هستند از طریق سازمانهاي منطقه‌اي با یکدیگر همکاري نظامی، سیاسی و اقتصادي داشته باشند (علی‌بابایی، ۱۳۷۲: ۱۳۲). از نظر لوییس فاست منطقه گرایی، چونان شیوه‌اي براي بررسی و کشف الگوهاي گسترده‌تر همکاري ومنازعه در منطقه و فرآیندي که طی آن دولت‌ها و بازیگران دیگر راهبرد و سیاست مشترکی را در منطقه درپیش می‌گیرند، همچنین درون یک منطقه فرضی به تشویق و ترویج استراتژي پرداخته و هدف آن نیز تعقیب هدف‌هاي مشترك در یک یا چند حوزه است، تعریف می شود (فاست، ۱۳۸۶: ۳۱۷).

۴-۱-۳- امنیت منطقه‌ای

مفهوم مجموعه امنیتی منطقه‌ای[1] برای نخستین بار توسط باری بوزان درکتاب مردم، دولت‌ها و هراس مطرح گردید. وی بر این باور است که از آنجا که سطوح تحلیلی ملی و بین‌المللی نمی‌توانند برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود. وی منظور از ارئه سطح تحلیل میانه را تلاشی در جهت پر نمودن شکاف میان سطح دولت و سیستم (نظام بین الملل) می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۲). بوزان نظریه امنیت منطقه‌ای خود را در کتاب «مناطق و قدرتها: ساختار امنیت بین المللی» نیز ارائه کرده است. او با دیدی تلفیقی از رئالیستم و سازنده‌گرایی در ادامه مکتب کپنهاگ به بررسی مطالعات امنیتی پرداخته است. به عقیده وی موضوع امنیت مسئله‌ای نیست که بتوان بدون در نظرگرفتن ساختارهای منطقه‌ای آن را مورد تحلیل قرارداد. «پویش های امنیتی ذاتا رابطه ای هستند و هیچ ملتی نمی‌تواند به تنهایی امنیت خود را تامین کند» (بوزان و ویور،۱۳۸۸: ۵۴).

٤- مبناي نظري و چارچوب تحليلي

مجموعه امنیتی منطقه‌ای نظریه ای است که در تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین الملل، سطح منطقه‌ای را به عنوان چارپوب نظری خود انتخاب می کند. بر اساس این نظریه، پایان جنگ سرد، جهان را در یک وضعیت ناامنی قرار داد که ریشه این ناامنی در مفروضه های مکتب رئالیسم و جهان گرا قرار دارد. مکتب

1. Regional Security Complex

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

واقع‌گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین المللی به عنوان یگانه عامل امنیت، از کانون تکوین حرکت های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. به عقیده بوزان و ویوور، باید از طریق درک پویش‌های امنیت منطقه‌ای درکی وسیع تر از امنیت یافت، چرا که به قدری مسائل امنیتی کشورها در هم تنیده است که نمی‌تواند جدا گانه مورد تحلیل قرار بگیرد (Buzan and Waever, 2009: 54).

از نظر بوزان و ویور، منظومه‌ی قدرت، تابعی از مناطق محسوب می گردد. برداشت آن ها از منظومه قدرت، نوعی توجه محوری به نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آن‌ها در منظومه قدرت جهانی است. (یونسیان، ۱۳۸۴: ۵۷). تأکید بر سطح منطقه به نوپیداها و پویش‌های امنیتی بعد از جنگ سرد در نظام بین الملل برمی‌گردد. بوزان، معتقد است که تحلیل های سطح کلان و سطح خرد نمی‌تواند، پاسخگوی تغییرات ایجادشده در ابعاد و مرجع امنیت باشد (Buzan, 1991: 70).

بوزان نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به سه دلیل مفید می‌داند: اول اینکه در مورد سطح تحلیل مناسب در مطالعات امنیتی چیزهایی به ما می‌گوید. دوم اینکه می‌تواند مطالعات تجربی را سازماندهی کند. و سوم اینکه بر اساس اشکال ممکن شناخته شده و بدیل‌های مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌توان سناریوهای مبتنی بر نظریه را طراحی کرد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶).

قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه تنها در پویش‌های امنیتی بلکه در الگوهای دوستی و دشمنی تاثیر گذار هستند. مانند مواقعی که دو طرف منازعه در یک منطقه وابسته به قدرت ثالثی هستند که این قدرت می‌تواند آنها را در روند دلخواه خود سازماندهی کند. بوزان در ادامه به توصیف نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌پردازد. اصلی‌ترین کارکرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان سازماندهی مطالعات تجربی امنیت منطقه‌ای در یک چارچوب است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۲).

بر اساس این نظریه، به منظور اینکه گروهی از دولت‌ها یا واحدها کیفیت مجموعه امنیتی منطقه‌ای داشته باشند، باید از نظر امنیتی تا آن حدی وابستگی متقابل داشته باشند که برای تبدیل آن‌ها به مجموعه‌ای متصل و درعین حال مجزای از مناطق امنیتی پیرامون فایت کند (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

به عقیده برخی صاحب نظران امنیت مانند بوزان و ویور، امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی، سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت براي کشورهاست. بنابراین آن‌ها سطح منطقه‌اي را به عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند. به عقیده آنان، مجموعه منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم وابستگی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

متقابل امنیتی لحاظ شده است، هم از گستردگی بیش از حد گستره امنیت اجتناب شده است. در سطح منطقه‌اي، امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. امنیت واحدهاي مجزا و فرایند مداخله قدرت‌هاي جهانی را تنها از طریق درك پویش‌هاي امنیت منطقه‌اي قابل درک و تحلیل است (Buzan and Waever, 2009: 54).

۱-۴- سطوح تحلیل در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

۱-۱-۴- سطح داخلی

کاربست سطح تحلیل داخلی در مجموعه امنیتی منطقه خلیج فارس این امکان را فراهم می‌سازد تا از منظر جامعه شناسی سیاسی به واکاوی ارتباط میان ساخت اجتماعی و سیاسی کشورهای منطقه بپردازیم. در بعد داخلی به وضعیت داخلی هر یک از دولت‌های منطقه و خصوصا آسیب‌پذیری‌های داخلی آنها پرداخته می‌شود. آسیب‌پذیری خاص یک دولت معرف نوع ترس‌های امنیتی آن است (ویور ۱۹۸۹: ۵۸). مولفه‌های سطح تحلیل داخلی عبارتند از: ساختار دولت، وضعیت همگرایی و واگرایی درونی، انسجام ملی، اپوزیسیون فعال، نارضایتی‌های داخلی و... . البته دولت‌ها معمولا موضوعات امنیتی را با هم ادغام می‌کنند؛ زیرا یک تهدید در پرتو تهدیدات دیگر درک می‌شود. لذا در سطوح بعدی تحلیل سطح داخلی را یک کل در نظر می‌گیرند.

۲-۱-۴- روابط دولت-دولت

دراین تصویر دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی مطرح می‌شوند و سطح مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبیعتا هر چه در این روابط همگرایی بالاتری مشاهده شود مناسبات امنیتی نیزاز آن متاثر خواهد شد و هر چه مناسبات امنیتی مستحکم‌ترشود سطح تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هم افزایش پیدا خواهد کرد. مولفه‌های سطح تحلیل دولت عبارتند از: دولت ها موجودیت های مستقلی هستند، دولت ها در تعاملات شان به دنبال منافع خاص خود هستند. دولت‌ها امنیت خود را در نظم بین المللی از طریق خودیاری تامین می‌کنند. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۰)

۳-۱-۴- تعامل منطقه با مناطق همسایه

در بعد سوم تعامل منطقه با مناطق مجاور مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطور که تعامل دولت‌ها با یکدیگر غیر قابل اجتناب است، تعامل مناطق با یکدیگر هم ضروری است. این بسته به آن است که یک منطقه دارای زیر مجموعه منطقهای نیز باشد یا نه! البته «مجموعه های امنیتی منطقه‌ای الزاما نباید زیر مجموعه داشته باشند اما اگر تعداد دولت‌ها در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای زیاد باشد وجود آن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

نامتعارف نیست» (بوزان و ویور،۱۳۸۸: ۶۳). در سطح تعاملات بین منطقه‌ای، مولفه‌های همکاری، اهداف و منافع مشترک و امنیت دسته جمعی قابل توجه هستند.

۱-۱-۴- نقش قدرت‌های جهانی در منطقه

این سطح از آن جهت که میتواند دیگر سطوح را مستقیما تحت تاثیر قرار دهد دارای اهمیت مطالعاتی بالایی است. قدرت‌های جهانی از طریق مولفه‌های: یک‌جانبه گرایی، دو قطبی سازی، هژمون سازی، ایجاد نظم های منطقه‌ای و حضور مستقیم بر امنیت منطقه تاثیرگذار هستند. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۵) در مجموع این نظریه نمی گوید که کدام سطح غالب است بلکه معتقد است در یک خوشه امنیتی هر چهار سطح همزمان کار می کند. و برای تحلیل درست باید همه مولفه‌ها در نظرگرفته شود. بر اساس نظریه مختار ما برای تحلیل امنیت منطقه‌ای باید از بررسی سطح داخلی به بررسی دیگر سطوح پرداخت. زیرا سیاست خارجی ادامه‌ی سیاست داخلی کشورها است. الگوی تحلیل بررسی نقش منطقه‌گرایی در تامین امنیت ملی شامل متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته است. متغیر مستقل امنیت ملی و متغیر وابسته منطقه گرایی است. در این الگو کشورها با توجه به منابع داخلی و خارجی خود، تعریفی از امنیت ملی ارئه می‌دهند که این تعریف اهدافی را در نظر می‌گیرد. سپس نقش منطقه‌گرایی را در دست‌یابی به اهداف امنیت ملی مشخص می‌کنند.

۵- ساختارهای بنیادین مجموعه امنیتی منطقه‌ای خلیج فارس

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای چهار متغیر دارد که در زیر هر کدام از متغیرها را بررسی می‌کنیم:

۱-۵- متغیرهای چهارگانه مجموعه های امنیتی

۱-۱-۵- مرز

اول مرز است که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند (بوزان، ۱۳۸۸: ۲۱۵). مرزها در منطقه خلیج فارس و شامات همیشه محل مناقشه و اختلاف بوده‌اند. علت عمده آن هم شیوه تعیین مرزی است که انگلستان پس از جنگ جهانی اول برای منطقه در نظر گرفت. وضعیت مرزها در خاورمیانه بهتر از دیوار برلین که مرز میان آلمان شرقی و آلمان غربی بود، نیست! بسیاری از مشکلات امنیتی منطقه بر سر مرز است. مثلا کردها که خود را یک قومیت واحد می‌دانند در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده‌اند. نگاه آن‌ها به مرز نه حد پایان سرزمین بلکه حائلی در برابر آزادی است.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

اساساً سبک دولتسازی پس از جنگ جهانی اول بی‌توجه به این مسئله بود و دنباله تاثیرات این موضوع تا امروز هم در منطقه وجود دارد. در منطقه کرانه شرقی رود اردن که فاصل میان سوریه، لبنان، اردن و فلسطین اشغالی است، مرزها شراط ناپایداری دارند. در منطقه خلیج فارس درگیری بر سر ادعای امارات در خصوص جزایر سه گانه ایرانی و اختلاف ایران و عراق بر سر اروند رود نیز نمونه‌ای از مناقشات مرزی است. اختلافات مرزی در خاورمیانه بیشتر از اینکه در سر حد منطقه امنیتی باشد که آن را از دیگر مناطق جدا می‌کند بیشتر در درون منطقه امنیتی است و این از پیچیدگی‌های خاص این منطقه است. در طی سال‌های اخیر و با توجه به بحران آب در منطقه، اختلافات بر سر تقسیم آب میان کشورها نیز به مناقشات مرزی گذشته اضافه شده است، مانند اختلاف در حوزه آبی دجله و فرات میان عراق و ترکیه.

۲-۱-۵- ساختار آنارشیک

دومین متغیر بنیادین ساختار آنارشیک است، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشد. تقریبا در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس این موضوع قابل صدق است. منطقه امنیتی خاورمیانه یک منطقه امنیتی استاندارد است، به این معنا که ساختار آن فاقد قدرت مرکزی است که تصمیم‌گیر نهایی در منطقه باشد. در طی سال-های پس از سقوط صدام، عربستان سعودی به دنبال ایجاد جایگاه مرکزی برای خود بود که با توجه به محدودیت‌های زیرساختی و وابستگی علنی آن به غرب این موضوع اتفاق نیفتاد. لکن ساختار منطقه متشکل از واحدهای خودمختاری است که هر کدام به دنبال تامین منافع ملی خود و همراه کردن دیگر کشورها در این زمینه هستند. وجود انبوهی از قدرت‌های کوچک در منطقه، تمرکز مناسبات را بر روی چند قدرت اصلی متمرکز ساخته است. چرا که قدرت های ذره‌ای توان ایجاد موازنه قدرت در منطقه را ندارند. بعدها اشاره خواهیم کرد که عمق استراتژیکیکی از مولفه‌های مهم در تامین امنیت ملی است که جمهوری اسلامی به خوبی از آن بهره‌مند است.

۳-۱-۵- قطبش

سومین متغیر قطبش است که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست. قطبش یکی از عوامل شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. عدم وجود آن به معنای نبود نظام توزیع قدرت در میان دولتهای منطقه است. متغیر قطبش که پوشش دهنده توزیع قدرت میان واحدها در یک مجموعه است، در منطقه خلیج فارس نیز دارای کاربست است. این مفهوم ساختار و توزیع سخت افزاری قدرت را در مجموعه امنیتی خلیج فارس نشان می‌دهد. یعنی این منطقه از لحاظ ساختار قدرت دو قطبی است و قدرت در کشورهایی چون ایران و عربستان متمرکز است، هرچند پاکستان نیز خود را تعریف کننده یک

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

قطب تلقی می‌کند. به لحاظ توانمندی‌های بالقوه و همچنین مزیت ژئوپولتیکی، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در مجموعه امنیتی خلیج فارس، صدرنشین هستند (استوارت و فریزر، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

نکته مهم این است که وضعیت قطبش در منطقه خلیج فارس را تنها با نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌توان تحلیل و بررسی کرد. زیرا برای مثال، نورئالیسم از قابلیت توضیح دهندگی قطبش در منطقه جنوب آسیا برخوردار نیست، چونکه نورئالیسم مدعی قطبش در نظام بین الملل است، درحالی که در مجموعه امنیتی قطبش سطح منطقه ای را مورد توجه قرار داده است.

۴-۱-۵- ساخت اجتماعی و الگوهای دوستی-دشمنی

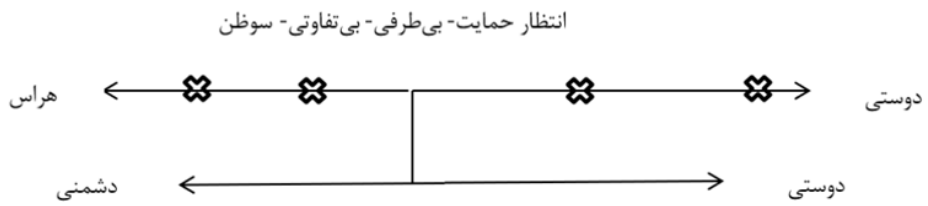
متغیر چهارم ساخت اجتماعی است که شامل الگوهای دوستی-دشمنی میان واحدهاست. این الگوها در مرحله اول ناشی از ذهنیت بازیگران نسبت به یکدیگر است که منجر به کنش آنها شده و آن کنش است که همگرایی یا واگرایی واحدها را مشخص می‌کند. در منطقه خلیج فارس پس از انقلاب اسلامی این ذهنیت در دولت‌های عربی به وجود آمد که استقرار یک نظام دینی در ایران خطر بالقوه و حتی بالفعل برای امنیت ملی آنهاست. لذا الگوی پذیرفته شده آنها از همان ابتدا تقابل با پیامدهای انقلاب اسلامی بود. لذا الگوی موجود در منطقه الگوی دوستانه‌ای نیست و همین امر تعامل میان واحدها را کم و بدبینانه کرده است. پس از بحران امنیتی در سوریه و عراق بین کشورهای محور مقاومت الگوهای دوستی مستحکمی ایجاد شد. که می‌توان این الگو را در پاسخ به الگوی دوستی تعریف شده از طرف آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن دانست. در بین متغیرهای مذکور، الگوی دوستی-دشمنی اهمیت ویژه‌ای دارد. چرا که کاربست این الگو نه تنها نظریه بوزان را از نظریات رئالیستی تفکیک کرده و به آن جنبه سازه انگارانه می بخشد، بلکه نوع الگوهای روابط حاکم بر کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی را نیز تعیین می‌کند (نورمحمدی، ۱۳۹۷: ۷). به نظر می‌رسد در شکل‌گیری دوستی و دشمنی موضوعاتی همچون مذهب، تاریخ، تمایلات قومی، فرهنگ و جغرافیا تأثیرگذار است.

از میان متغیرهای تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگوهای دوستی-دشمنی اهمیتی مضاعف دارند. زیرا نه تنها بعدی سازه انگارانه به نظریه بوزان می‌دهد و آن را از نظریات رئالیستی متمایز می سازد، بلکه نوع الگوهای روابط حاکم بر کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را نیز تعیین می‌کند. مجموعه امنیتی بیان می‌دارد که توزیع قدرت به تنهایی برای براورد الگوهای منازعه در منطقه یا حتی نظام کافی نیست، بلکه دوستی‌ها و دشمنی‌های تاریخی، مثل موضوعات خاصی که موجب منازعه و همکاری می‌شوند، در شکل گیری مجموعه فراگیری از ترس‌ها، تهدیدات و دوستی‌ها موثرند. بنابراین

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

متغیرهای مختلف بسترخاصی نظیر تاریخ، فرهنگ، مذهب و جغرافیا الگوهای دوستی و دشمنی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Buzan and Weaver,2009:16).



نمودار شماره ۱: الگوی دوست دشمنی در نظریه امنیت منطقه ای

برخی از تحلیلگران بر این باور هستند که آمریکا همواره خواهان سطحی از تنش در منطقه خلیج فارس بوده است؛ زیرا اگر خلیج فارس خالی از تنش باشد توجهات به سمت مسئله فلسطین جلب خواهد شد و از طرفی این تنش‌ها امروزه به یک منبع مالی برای دولت آمریکا تبدیل شده‌اند. پس ایران در شرایطی قرار دارد که یک قدرت بزرگ به دنبال بدست گرفتن مجموعه امنیتی منطقه و تضعیف دولت‌های رقیب است. این شرایط در سال‌های اخیر و با پیش آمدن مسئله هسته‌ای ایران با فشارهای حداکثری و تحریم‌های اقتصادی همراه بوده است.

فرآیندهای منطقه‌ای و بین المللی نشان دهنده آن است که نمی‌توان بدون همکاری‌های منطقه‌ای و فارغ از چارچوب پیمان-های دفاعی به نتایج مؤثر امنیتی نایل شد، به عبارتی سال‌هاست که پیچیدگی‌ها و دشواری‌های تامین امنیت، دولت‌های مدرن را متقاعد ساخته است که یکی از بهترین راهکارها برای تضمین امنیت ایجاد اتحادهای دو یا چند جانبه است. لذا با توجه به حساسیت‌های امنیتی خاورمیانه این منطقه پس از اروپا و آمریکا از پیشروترین بخش‌های جهان در ایجاد پیمان‌های دفاعی شد و پیمان‌های چون سعدآباد، بغداد، سنتو ، اتحادیه عرب، گفت و گوهای اتحادیه اروپا-مدیترانه و طرح همکاری استانبول نمونه‌های تاریخی پیمان‌ها و مذاکرات دفاعی-امنیتی در منطقه بودند که با هدف تامین امنیت مطرح شدند.

۲-۵-تطبیق عینی سطوح تحلیل در مجموعه منطقه خلیج فارس

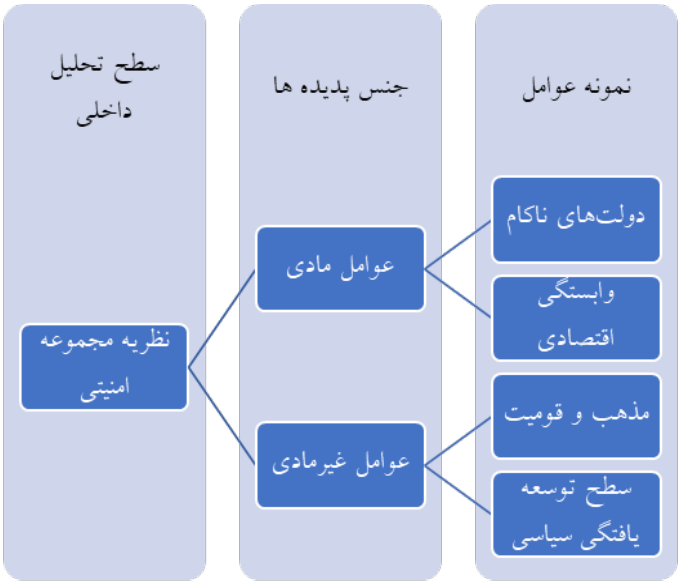
۱-۲-۵- سطح داخلی

خاورمیانه منطقه‌ای است که عمدتا از دولت های مدرن پسااستعماری هر چند ضعیف تشکیل شده است. اما هنوز مملو از عناصر پیشامدرن قدرت نظیر قبیله، عشیره و مذهب است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۱). منطقه امنیتی خاورمیانه همچون جنوب آسیا با جنگ زاده شد. دموکراسی به سبک کشورهای غربی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

در خاورمیانه امری نادر است. چرا که هنوز سلطنت پرمشتری‌ترین مدل حکومت است در خاورمیانه این ارتش و اسلحه است که حرف آخر را می‌زند. «در خاورمیانه چارچوب دولتی مسلط است» (بوزان و ویور،۱۳۸۸: ۱۰۵). یعنی دولت‌ها بازیگران اصلی هستند البته نقش دولت‌ها بنابر قدرتی که بازیگران غیردولتی پیدا می‌کنند، متغیر است. به عنوان مثال داعش در سوریه توانسته بود بخش زیادی از خاک این کشور را تحت حاکمیت خود در بیاورد. در سطح تحلیل داخلی باید گفت که کشورهای منطقه، خصوصا دیکتاتوری‌ها عمدتا متاثر از تصمیمات لحظه‌ای و فردی هستند. این موضوع بحث‌های مربوط به منطقه‌گرایی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. چرا که عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و متزلزل بودن الگوهای همگرایی و واگرایی در این دولت‌ها باعث شده است تا کشورها بیشتر از تعاملات منطقه‌ای، سعی کنند موجودیت خود را با یافتن متحدی فرامنطقه‌ای تامین کنند. عوامل موثر در سطح تحلیل داخلی به قرار زیر است:



جدول شماره ۱: عوامل موثر در سطح تحلیل داخلی

۲-۲-۵- سطح تحلیل دولت-دولت

ایران در منطقه غرب آسیا تنها کشوری است که توانسه است از ظرفیت انقلاب استفاده کاملی داشته باشد. جنگ ۸ ساله ایران و عراق همگرایی ملی را میان ایرانیان بالا برد. انسجام ملی در ایران با وجود

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۹۰
سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

تنوع قومیتی بالاست. ترک و کرد و لر و بلوچ و عرب و...همه خود را ایرانی می‌دانند. مردم هر دو سال یک‌بار پای صندوق‌های رای می‌روند و از رئیس‌جمهور که بالاترین قدرت اجرایی است تا شوراهای محلی توسط آنها انتخاب می‌شوند. شرایط ژئوپولیتیک ایران به عنوان چهارراه منطقه نیزیکی از عوامل استراتژیک بودن این کشور است. دسترسی وسیع به آب‌های آزاد، منابع نفت و گاز و پهناوری سرزمینی از دیگر عوامل موثر در امنیت ملی ایران است. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی در این سال‌ها توان بازدارندگی نظامی آن است که نقش به سزایی در ایجاد ثبات داخلی داشته است، آن هم در شرایطی که منطقه غرب آسیا با شدیدترین درگیری‌های داخلی روبه‌رو بوده‌است.

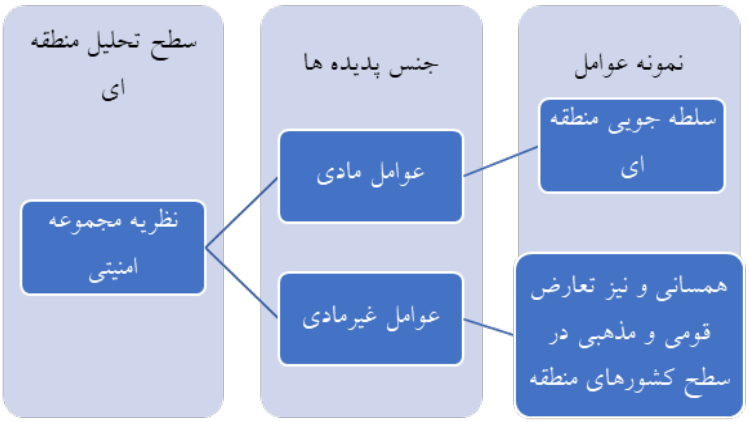
تحریم‌های یکجانبه آمریکا یکی از جدی‌ترین مسائل امنیت ملی برای دولت ایران محسوب می‌شود. این موضوع در طی سال‌های اخیر کشور را با مشکلات متعدد اقتصادی مواجه ساخته که این مشکلات تنها در حوزه اقتصاد نبوده و سرریز آن به دیگر حوزه‌ها ازجمله، فرهنگ، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش نیز سرایت کرده است. از آنجا که انزوا برای کشوری با موقعیت ایران تصورناپذیر است پس یکی از گزینه‌های جدی برای عبور از این بحران حرکت به سمت منطقه‌گرایی است. منطقه‌گرایی در حالیکه موضوعی داخلی نیست اما اثرات آن در حوزه سیاست داخلی نیز موثر خواهد بود. چرا که اگر منطقه‌گرایی منجر به باز شدن شریان‌های اقتصادی کشور باشد.

روابط دولت–دولت در منطقه غرب آسیا طی چند دهه اخیر با فراز و فرودهایی همراه بوده است. الگوهای دوستی و دشمنی در مدت زمان‌های نه چندان طولانی تغییرات محسوسی را در پی داشته‌اند. ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ دشمن و امروزه متحد یکدیگر هستند. قطر و عربستان سال‌ها عضوشورای همکاری خلیج فارس بوده‌اند و امروز سیاست‌هایی ضد یکدیگر در پیش گرفته‌اند. به دلیل اینکه بسیاری از دولت‌ها به صورت خاندانی و قبیله‌ای و متکی به شخص، نه متکی به سیستم و چارچوب اداره می‌شود، در برخی کشورها با تغییر رئیس دولت، سیاست خارجی کشور به طور کلی تغییر می‌کند. به طوری که بعضا تغییر دولت اثراتی در سطح انقلاب را به دنبال دارد. لذا در یک سطح می‌توان روابط دولت–دولت در خاورمیانه را روابط شخص–شخص تعریف کرد. این مسئله درباره بسیاری از دیکتاتوری‌های منطقه قابل صدق است. اما از طرف دیگر کشورهایی همچون ایران که در آنها روابط خارجی در چارچوب سیستم تنظیم می‌شود، روابط دولت–دولت تحت تاثیر منافع ملی تعریف می‌شود. لذا ارتباط با همسایگان و کشورهای منطقه در سیاست خارجی ایران همواره یک اصل بوده است. هر چند سطح اجرای آن تحت تاثیر آمادگی طرفین برای همکاری در نوسان بوده است. مثلا دولت افغانستان به دلیل مشکلات داخلی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

آمادگی همکاری در یک سری از موضوعات امنیتی و زیرساختی را ندارد، و یا برخی همسایگان شمالی ایران متاثر از تحریم‌های آمریکا آمادگی افزایش ظرفیت همکاری‌های اقتصادی را ندارند.



جدول شماره ۲: عوامل موثر در سطح تحلیل منطقه ای

۳-۲-۵- تعامل منطقه با مناطق همسایه

برای پرداختن به این موضوع ابتدا باید به تعریف منطقه و زیرمجموعه منطقه‌ای پرداخت. هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به یک یا چند زیرمجموعه منطقه‌ای تقسیم شود. به این صورت که هر زیرمجموعه از طرفی خصوصیات و تمایزات خاص خود را دارا باشد و از طرف دیگر اشتراکات خود با مجموعه امنیتی منطقه‌ای را نیز حفظ کرده باشد. در تقسیم‌بندی بوزان منطقه امنیتی خاورمیانه به سه زیرمجموعه امنیتی تقسیم می‌شود: زیر مجموعه امنیتی شامات، زیرمجموعه امنیتی مغرب و زیر مجموعه امنیتی خلیج فارس. به دلیل حضور ایران در زیرمجموعه خلیج فارس عمده بحث بر روی این زیرمجموعه خواهد بود اما از آنجا که دامنه اثرگزاری ایران زیرمجموعه شامات را هم در بر می‌گیرد لازم است به آن نیز پرداخته شود. بوزان اشاره می‌کند که زیرمجموعه مغرب جایگاه و اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده است، و آنچه ما امروزه مشاهده می‌کنیم هم موید این مسئله است.

نکته‌ای که در نقد تقسیم‌بندی بوزان وجود دارد این است که: تقسیم‌بندی‌های امنیتی در خاورمیانه مرزبندی شفافی از یکدیگر ندارند. و اصطلاحا در یکدیگر تنیده شده‌اند. لذا نمی‌توان زیرمجموعه شامات که سوریه هم به عنوان یک بازیگر فعال در آن حضور دارد را بدون توجه به زیرمجموعه خلیج فارس بررسی کرد. و از طرف دیگر در نظریه بوزان به زیرمجموعه‌ای که در خلیج عدن و یمن ایجاد شده پرداخته نشده است. پس لازم است این زیرمجموعه را هم در نظریه بوزان لحاظ کرد. چرا که زیرمجموعه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

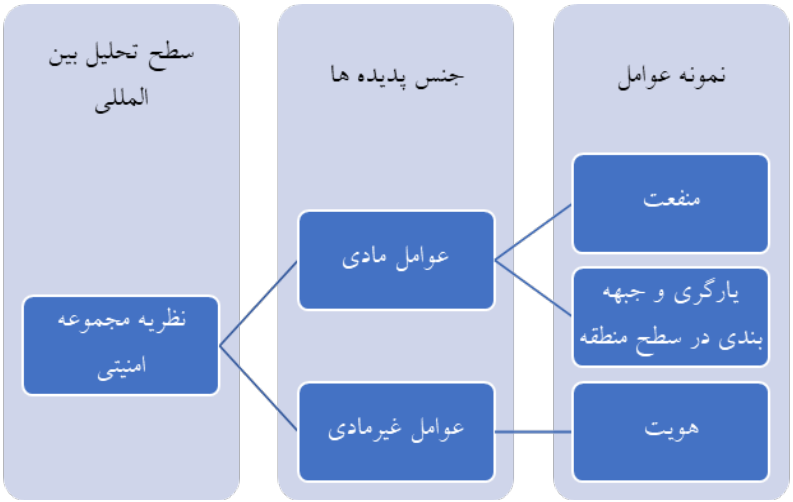
امنیتی یمن نقش تاثیرگزاری در تامین امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی دارد. یکی از ویژگی‌های مهم برای نظریات امنیتی منطقه غرب آسیا انعطاف‌پذیر بودن و ظرفیت تغییر و گسترش داشتن است. این منطقه به دلیل ویژگی‌های ماهوی همواره در معرض تغییر و تحول بوده است. این تغییرات، شامل نظام‌های سیاسی حاکم، مرزهای جغرافیایی و آمد و شد بازیگران است و یک نظریه امنیتی باید این تحولات را نیز به عنوان بخشی از ویژگی منطقه در نظام تحلیلی خود جای دهد.

زیرمجموعه خلیج فارس که ایران هم در آن قرار دارد از سال ۱۹۷۱ و پس از خروج انگلستان از مطقه ایجاد شد. سیاست امنیتی آمریکا در دوره جنگ سرد و قبل از انقلاب اسلامی، سیاست دو ستونی ایران و عربستان بود. پس از انقلاب اسلامی و از دست رفتن یک قطب امنیتی، آمریکا تلاش کرد تا با ایجادیک پیمان منطقه‌ای این خلاء را پر کند. لذا شورای همکاری خلیج فارس متاثر از وقوع انقلاب اسلامی و با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی در سال ۱۹۸۱ تاسیس شد. بوزان معتقد است: انقلاب ۱۹۷۹ در ایران یک عنصر ایدئواوژیک قوی را به رقابت این کشور با عربستان اضافه کرد و هر دو کشور برای رهبری جهان اسلام رقابت کردند (بوزان و ویور،۱۰۷، ۱۳۸۸).

انقلاب اسلامی از آنجایی که یک انقلاب دینی و ایدئولوژیک بود باعث شد تا سران منطقه از همان ابتدا با آن احساس زاویه کنند. ترس کشورهای حاشیه خلیج فارس از صدور انقلاب به داخل مرزهای خود و قدرت گرفتن دولت انقلابی در ایران باعث شد تا الگوهای دوستی و دشمنی منطقه با تغییراتی همراه شود. از طرف دیگر صدام در عراق ادعای رهبری جهان عرب و رویای تبدیل شدن به قوی‌ترین کشور منطقه را با هم در سر داشت. این آرزوها منجر به اقدام نظامی صدام علیه ایران شد و اعراب منطقه که غالبا در بلوک غرب تعریف می‌شدند به حمایت از صدام که ذیل بلوک شرق تعریف می‌شد آمدند. حمایت این کشورها از صدام تا جنگ اول خلیج‌فارس ادامه داشت. حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق فصل جدیدی را در مناسبات منطقه‌ای خلیج فارس ایجاد کرد. حضور مستقیم آمریکا در منطقه الگوهای امنیتی را به شدت متاثر از الگوی امنیتی مورد نظر خود کرد. این الگو کماکان با حضور نیروهای آمریکایی در منطقه ادامه دارد (وزیریان، ۱۳۹۸) به طوری که در موضوعات حساس امنیتی منطقه، برای صحبت با اعضای شورای همکاری باید با واشینگتن تماس گرفت.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]



جدول شماره ۳: عوامل موثر در سطح تحلیل بین المللی

۴-۲-۵- نقش قدرت‌های جهانی در منطقه خلیج فارس

یکی از متغیرهای اصلی نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای، حضور عاملی خارجی در یک مجموعه است که به نام نفوذ یاد می شود. آنچه الگوی فراگیر توزیع قدرت میان قدرت های جهانی را به پویش های منطقه‌ای مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای پیوند می‌زند، سازوکار نفوذ است. این متغیر را می‌توان به درستی در محاسبات رفتاری و پویش های امنیتی خلیج فارس مطالعه کرد. زیرا دولت‌های منطقه با قدرت های خارجی وارد صف بندی امنیتی شده‌اند و به شدت تحت تأثیر نفوذ عامل خارجی قرار دارند. یک رقابت منطقه‌ای بومی نظیر رقابت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی فرصت‌ها یا تقاضاهایی برای نفوذ قدرت‌های بزرگ در منطقه را فراهم می‌کند.

پس از خروج انگلستان از منطقه خلیج فارس در ۱۹۷۱ بین آمریکا و شوروی رقابتی برای حضور در منطقه ایجاد شد. هر چند اکثریت کشورهای منطقه در تقسیم بندی بلوک غرب جا می‌گرفتند. اما شوروی هم در کشورهایی همچون عراق و یمن نفوذ داشت. منطقه خلیج فارس به خاطر وجود منابع انرژی جایگاه مخصوصی برای آمریکا داشت. و آمریکا سعی در به دست‌گیری این مجموعه امنیتی داشت. بوزان می‌گوید: ورود بنیادگرایان اسلامی به عرصه، که شگفت انگیزترین آن در ایران در ۱۹۷۹ رخ داد، با استقبال هیچ یک از دو ابرقدرت همراه نشد (بوزان و ویور،۱۳۸۸: ۱۱۲).

هر چند انقلاب اسلامی یک انقلاب ضد امپریالیستی بود، و عملا یکی از بازوهای امنیتی آمریکا

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

در منطقه را از بین برده بود برای شوروی خوشایند بود اما از آنجا که یک انقلاب ایدئولوژیک اسلامی بود و اندیشه‌های آن در تضاد با اندیشه‌های کمونیستی قرار داشت مورد حمایت شوروی قرار نگرفت. همین حس را آمریکایی‌ها نیز داشتند. در دوره‌ای که انقلاب به معنای رفتن به دامان کمونیست بود، آمریکایی‌ها از اینکه انقلاب ایرانیک انقلاب کمونیستی نبود خشنود بودند اما از اینکه یک قطب جدید در برابر سیاست‌های آنها در منطقه ایجادشده بود ناخرسند بودند. لذا در جنگ صدام علیه ایران هر دو ابرقدرت به حمایت از صدام برخاستند. اما در حمله آمریکا به عراق شرایط دگرگون شد. جنگ دوم خلیج فارس دولت های عضو شورای همکاری را به وضعیتی شبه تحت الحمایگی در برابر غرب و به خصوص ایالات متحده سوق داد (بوزان و ویور،۱۱۷، ۱۳۸۸).

نقش و حضور آمریکا پس از آن در منطقه چشمگیرتر شد. حمله آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ منطقه را تبدیل به یک منطقه تمام امنیتی کرد، که این موضوع تا امروز هم ادامه دارد. اما نقش قدرت‌های جهانی در منطقه از سال ۲۰۱۱ وضع جدیدی پیدا کرد. در این سال ناآرامی هایی در منطقه آغاز شد، لیبی، مصر، یمن و سوریه. در سوریه گروه‌های شبه نظامی سریعا سازماندهی شده و آماده اقدام نظامی علیه دولت سوریه شدند. آمریکا با کمک به ایجاد این گروه‌ها در صدد بود تا ازتجربه عراق و افغانستان درس گرفته و با استفاده از پروکسی‌های خود وارد میدان شود. هیلاری کلینتون وزیر امورخارجه اسبق آمریکا در این خصوص می‌گوید: «من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تاسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود اما ناگهان همه چیز فروپاشید. توافق شده بود تا دولت اسلامی(داعش) در روز ۵ / ۷ / ۲۰۱۳ اعلام شود و ما منتظر اعلام تاسیس آن بودیم تا ما و اروپا هرچه سریعتر آن را به رسمیت بشناسیم.» تاسیس گروه‌هایی همچون داعش باعث شد تا منطقه به سمت پرتگاه هدایت شود. اما این بار موضوع با قبل تفاوت‌هایی داشت. کشورهای منطقه که عموما در اقدامات قبلی آمریکا نقشی منفعلانه را پیش گرفته بودند در این شرایط خود به بازیگرانی فعال تبدیل شده بودند. محور مقاومت که متشکل از ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله بود سعی در به دست‌گیری مناسبات امنیتی منطقه داشت.

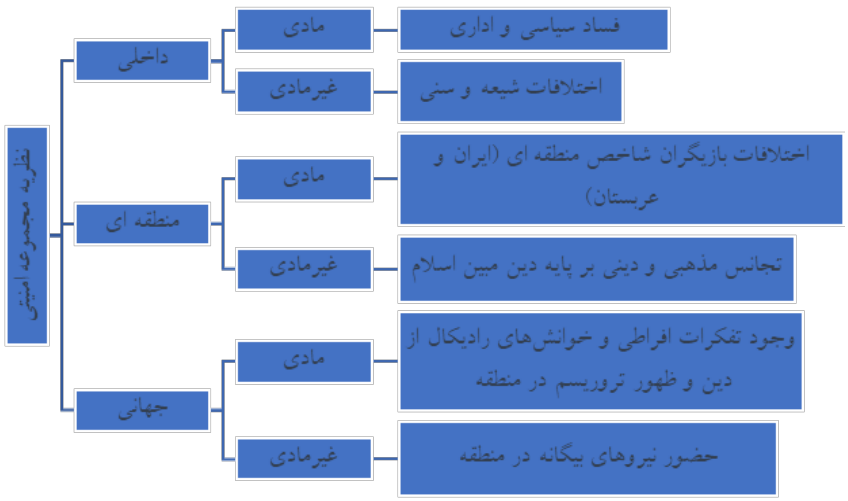
منطقه خلیج فارس و شامات در نیم قرن گذشته همواره عرصه کشمکش میان قدرت‌های بزرگ بوده است. از این منطقه با عنوان چهارراه جهان یاد می‌کنند، غرب آسیا در جنگ سرد پس از اروپا و آسیا به سومین جبهه تبدیل شد. یکی از چالش‌های جمهوری اسلامی در تامین امنیت ملی خود نیز حضور مستمر قدرت‌های بزرگ در منطقه است. قدرت‌هایی که زمین بازی را به دوست و دشمن تقسیم کرده‌اند

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

و کشورها لاجرم باید یکی از این دو نقش را انتخاب کنند. انتخاب هر نقش با مشکلات و مسائلی همراه خواهد بود. جمهوری اسلامی در تامین امنیت ملی خود با کشورهایی مواجه است که نه تنها به دنبال تامین منافع ملی خود هستند بلکه منافع قدرت‌های بزرگ نیز جهت گیری‌های آنها را به شدن تحت تاثیر قرار می‌دهد. در نتیجه ایران باید بتواند همگرایی در منطقه را در سطح قابل توجه‌ای افزایش دهد که منافع مشترک مانع از نفوذ ابرقدرت ها در روابط فی ما بین گردد. این منافع مشترک می‌تواند اقتصادی، سیاسی، نظامی و یا فرهنگی باشد.

گسترش ناتو به شرق و حضور فعال آن در خلیج فارس در قالب «ابتکار همکاری استانبول» در سال ۲۰۰۴ نقطه عطفی در روند گسترش ناتو به شرق بود، درواقع همکاری چندجانبه ناتو با تمامی کشورهای عربی خلیج فارس، عراق، افغانستان، کشورهای آسیای میانه و حضور فعال کشورهای عضو این سازمان از جمله فرانسه و انگلیس در خلیج فارس ابعاد تاثیرگذاری ناتو بر امنیت ملی ایران را چند وجهی نموده است. از سوی دیگر آمریکا به عنوان مهمترین و بزرگترین بازیگر خارجی ناتو در منطقه است که با در اختیار داشتن بیش از ۱۴ پایگاه نظامی حضور به شدت بالایی در مناسبات امنیتی منطقه دارد.



جدول شماره ٤: عوامل موثر در سه سطح تحلیل در منطقه خلیج فارس

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

نتیجه گیری

پس از جنگ جهانی دوم جهانی شدن و امنیت بین‌الملل به عنوان اصلی‌ترین چارچوب برای تامین امنیت جهانی مطرح شد. تاسیس نهادهای بین‌المللی و در راس آن سازمان ملل متحد موید این ایده بود. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد سلطه‌ی جهانی ابرقدرت‌ها بود. با سقوط شوروی و پایان جنگ سرد این ایده در میان کشورها پیدا شد که می‌توان امنیت را از طریق ظرفیت‌های منطقه‌ای تامین کرد، حضور ابرقدرت‌ها که عمدتا تحت عنوان تامین امنیت مشروعیت پیدا کرده بود چیزی جز افزایش تنش و ناامنی در بر نداشت و کشورها به دنبال استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای تامین امنیت ملی خود بودند.

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار مولفه تشکیل شده‌است. مرز، ساختارآنارشیک، قطبش و ساخت اجتماعی که همان الگوهای دوستی و دشمنی است. در منطقه امنیتی غرب آسیا هر یک از این مولفه‌ها تعیین کننده بخشی از وضعیت امنیتی هستند. امنیت اجتماعات بشری متشکل از پنج مولفه است. امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی-فرهنگی و امنیت زیست محیطی. جمهوری اسلامی برای دست‌یافتن به امنیت پایدار ملی، باید تلاش کند در هر کدام از این حوزها شاخص‌های قدرت را دارا باشد. ظرفیت منطقه‌گرایی برای جمهوری اسلامی در هر کدام از این موضوعات موجود است و اساسا برخی از مسائل همچون مشکلات ناشی از تغیرات اقلیمی و گرد و غبار را جز از طریق مشارکت با همسایگان نمی‌توان حل کرد.

ما در این پژوهش به نقش و جایگاه منطقه‌گرایی در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداختیم. امنیت ملی مسئله‌ای است در ابعاد گوناگون. ما در این مقاله به اهمیت و جایگاه هر یک از ابعاد امنیت ملی و نقش منطقه‌گرایی در تامین آن پرداختیم. ایران به خاطر جایگاه و موقعیت جغرافیایی که در آن قرار دارد نمی‌تواند امنیت خود را بدون توجه به شرایط منطقه تامین کند. لذا باید برای تامین امنیت ملی خود به دنبال منطقه‌ای امن و همگرا باشد. یک منطقه همگرای ناامن و یک منطقه واگرای امن هر دو به یک اندازه تهدید امنیت ملی محسوب می‌شوند. از طرفی هر چه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای افزایش پیدا کند تهدید امنیتی نیز افزایش پیدا خواهد کرد و هرچه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای کاهش پیدا کند هزینه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی کاهش پیدا خواهد کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- آل اسحاق، یحیی،(۱۳۹۰)، «راهنمای راهبرد تجاری منطقه‌ای با رویکرد توسعه و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- احمد، اشتیاق، (۱۳۹۱)، «منطقه‌گرایی بر مبنای هویت اسلامی» در: هتنه، بیوردن و دیگران، دیدگاه‌های کشورهای جنوب درباره منطقه‌گرایی نو، تهران: ترجمه طیب، علیرضا، اداره نشر وزارت امور خارجه.
- استوارت، رابرت، و فریزر، دریک، (۱۳۹۲)، «قدرت‌های منطقه‌ای و نظم‌های امنیتی»، تهران: ترجمه آقایی، سید داود، محمد شریفی، مجید، نشر دادگستر.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۲)، «منطقه‌گرایی نوین و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، مجله ژرفنا، شماره بیست و هفتم، صص ۲۷۹ - ۲۸۸.
- برچیل، اسکات و دیگران، (۱۳۹۳)، «نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: ترجمه مشیرزاده، حمیرا و طالبی، روح‌الله، میزان.
- بوزان، باری و ویوور، الی،(۱۳۸۸)، «مناطق و قدرت‌ها»، تهران: ترجمه رحمن قهرمانپور، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ـــــــــ،(۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ویلیامز، پائول، (۱۳۹۶)، «صلح بانان جهانی و منطقه‌ای» در: کیلر، مایلس و دیگران، نظم جهانی و منطقه‌گرایی جدید، تهران: ترجمه صباغیان، علی، جوادی، محمود، انتشارت خرسندی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۹۳)، «نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی»، تهران، نشر مخاطب.
- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴)، «مروري بر تحلیل محتواي کیفی و کاربرد آن در پژوهش»، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- عباسی، مجید، (۱۳۹۲)، «شورای همکاری خلیج فارس و مدیریت امنیت» در: کرچنر، امیل جی، و دیگران، سازمان‌های منطقه‌ای و مدیریت امنیت، تهران: ترجمه عباسی، مجید، ابرار معاصر تهران.
- عبدالله خانی، علی؛ (۱۳۸۵)، «عدالت و امنیت» علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، بهار ۱۳۸۵ - شماره ۳۳، صص ۱۲۱ - ۱۳۲.
- عرب، حسین، (۱۳۹۳)، «تحلیی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با تاکید بر ایران در افق ۱۴۰۴»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۹۳-۳۲۷.
- علی بابایی ، غلامرضا، (۱۳۷۲)، فرهنگ روابط بین الملل، تهران : دفتر مطالعات سیاسی.
- فاست، لوئیس (۱۳۸۶)، «اتحادها، همکاري و منطقه گرایی در خاورمیانه». درلوئیس فاست روابط بین المللی خاورمیانه، ترجمه زیر نظر احمد سلطانی نژاد، تهران : دفتر مطالعات سیاسی .
- کریپندورف، کلوس، (۱۳۹۷)،«تحلیل محتوا» (هوشنگ نائینی، مترجم). تهران: نشر نی.
- لیک، دیوید ای، مورگان، پاتریک ام،(۱۳۸۱)، «نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت سازی در جهانی نوین»، تهران: ترجمه دهقانی فیروزآبادی، جلال، پژوهشکده مطالعات راهبری.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]

- ماندل، رابرت، (۱۳۸۷)، «چهره متغیر امنیت ملی»، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۲)، «اتحادیة اروپا از آغاز تا امروز»، نشر قومس: تهران.
- نورمحمدی، مرتضی و فصیحی دولتشاهی، محمدعارف، (۱۳۹۷)، «کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا»، رهیافت های سیاسی و بین المللی، زمستان، دوره ۲ شماره ۲: ۱۵۳-۱۸۹.
- وزیریان، امیرحسین، (۱۳۹۸)، «تحلیل سیاست رژیم پهلوی در منطقه خلیج فارس»، مجله علمی پژوهشی دانش سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۲۷۱-۲۹۶.

منابع لاتین

- Barry Buzan, Ole W'ver, (2009), "Regions and Powers: The Structure of International Security", Cambridge University Press.
- Frank N. Trager and Frank L. Simonie, `An introduction to the study of national security`, in F. N. Trager and P. S. Kronenberg, National Security and American Society (Lawrence: University Press of Kansas, 1973).
- Kolodziej, Edward, (2005), "Security and International Relations", Cambridge: Cambridge University.
- Micheal H. H. Louw, National Security (Pretoria: ISS-University of Pretoria, 1978), the quoteis from the introductory note tited `The purpose of the symposium`.
- Ullman, `Redefining security`, International Security, 8:1 (1983); Joseph S. Nye Jr, `The contribution of strategic studie: future challenges`, Adelphi Papets, No. 235 (London: IISS, 1989).

پایگاه‌های اینترنتی

- http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3960
- https://www.isna.ir/news/96092714809/

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۲۰۴

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

افتخاری، اصغر؛ انصاری بارده، رضا؛ حسنی، پیمان (۱۴۰۰)، «کاربست منطقه‌گرایی و نقش آن در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۱، ش۲، تابستان ۱۴۰۰، صص ۹۹-۷۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.5.5]